

# پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

No. 42, Spring & Summer 2021

شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰  
صص ۲۲۲-۱۹۹ (مقاله پژوهشی)

## استعاره مفهومی «عقل» در روایات

زهرا کریمی نوقی پور<sup>۱</sup>، ثریا قطبی<sup>۲</sup>، فریده داده‌مقدم<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۹/۱۱ – تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۰/۲۳)

### چکیده

استعاره مفهومی، از موضوعات کلیدی علم زبان‌شناسی شناختی است که اساس آن، فهم یک حوزه مفهومی بر حسب حوزه مفهومی دیگر است. معناشناسی شناختی از جمله دانش‌هایی است که راه را برای کشف و تحلیل روابط درون‌متنی روایات هموار می‌کند. معصومان(ع) برای بیان مفهوم «عقل»، مخاطبان خود را از رهگذر امور مادی و محسوسات به تأمل در امور نامحسوس فرا می‌خوانند. این فرایند موجب القای تعالیم دینی از طریق ارائه شbahت هستی شناختی و معرفت شناختی میان دو حوزه مبدأ و مقصد می‌شود. هدف پژوهش حاضر، تحلیل استعاره‌های مفهومی «عقل» در روایات است. پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مهمترین حوزه‌های مفهومی «عقل» در روایات شامل نور و روشنایی، سرمایه و ثروت، بی‌نیازی، بخشش، نعمت، زیبایی و آراستگی، هدایت‌گری، قدرت و فرماندهی، آبادانی، درمانگری، دوستی و گشايش است که با ترکیب طرح‌واره‌های تصویری حاصل از دو حوزه مبدأ و مقصد، نظام شناختی هدفمند و روشنگرانه را در بافتی استعاری و قابل درک ارائه داده و سبب باورپذیری و تمرکز و انتقال هرچه بهتر آموزده شده است.

کلید واژه‌ها: استعاره مفهومی، عقل، روایات، نگاشت، زبان‌شناسی شناختی

- 
۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران؛ z.karimi13701373@gmail.com
  ۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مستول)؛ sghotbi@shahed.ac.ir
  ۳. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران؛ fdavoudy@gmail.com

## ۱- بیان مسائله

زبان‌شناسی شناختی یکی از رویکردهای مطالعاتی معاصر زبان است که به ابعاد شناختی ارتباط زبان می‌پردازد. این نوع از مطالعات بر اساس تجربه‌های انسان از جهان و الگوهای مفهوم‌سازی بنا شده است و در آن تلاش می‌شود تا ماهیت و ساختار ذهن انسان مورد واکاوی قرار گیرد (قائمی‌نیا، ۱۹). زبان‌شناسان شناختی بر این باورند که با توجه به فرایندی و پردازشی بودن ذهن، می‌توان از الگوهای نهفته آن پرده برداشت و ساختار اعمال ذهن را شناسایی کرد.

یکی از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی شناختی، «معناشناسی شناختی»<sup>۱</sup> است که در آن از ارتباط عبارت‌های زبانی و ساختارهای ذهنی سخن به میان می‌آید. از آنجا که تجربیات زندگی به عنوان مؤلفه‌های معنایی در ذهن انسان اندوخته و طبقه‌بندی می‌شود (فتاحی‌زاده و داودی، ۲۲۰)، معناشناسی شناختی، هسته مرکزی زبان‌شناسی شناختی دانسته شده است. استعاره‌های مفهومی یکی از اساسی‌ترین محورها در زبان‌شناسی شناختی است که در آن فهم یک ایده یا یک حوزه مفهومی بر اساس ایده یا حوزه مفهومی دیگر فراهم می‌شود و موضوعات انتزاعی و فاقد ساختار با موضوعاتی ساختمند و عینی فهم‌پذیر می‌گردد (لیکاف، ۲۰۱). «جورج لیکاف»<sup>۲</sup> و «مارک جانسون»<sup>۳</sup> برای اولین بار از این اصطلاح استفاده کردند که از آن به «دیدگاه زبان‌شناسی درباره استعاره» یاد می‌شود. در این دیدگاه «استعاره» برخلاف دیدگاه سنتی آن که از خصوصیت‌های کلمات قلمداد می‌شد و هدف از آوردن آن افزایش فصاحت کلام بوده و از صنایع ادبی برای زینت بخشیدن به سخن به شمار می‌آمد، یکی از مشخصه‌های مفاهیم به حساب آمده و موجب درک عمیق‌تر آن شده و امری کاملاً ضروری در فرایند تفکر محسوب می‌شود. (فتاحی‌زاده و داودی، ۲۲۱)

وجود مفاهیم انتزاعی در آموزه‌های دینی موجب شده تا استعاره مفهومی در متون

1. Cognitive Semantics  
2. George Lakoff  
3. Mark Johnson

روایی کاربرد فراوانی داشته باشد و معصومان(ع) با استفاده از کاربست استعاره مفهومی در القاء مفاهیم انتزاعی تعالیم خود را به مخاطبان انتقال دهنند. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در روایات معصومان(ع) با استفاده از استعاره مفهومی مورد توجه قرار گرفته، مفهوم «عقل» است که از ابزارهای برجسته ادراک گزارهای وحیانی از سوی انسان به شمار می‌آید.

مرور پژوهش‌های مرتبط با موضوع نشان می‌دهد هر چند پژوهش‌های ارزشمندی در این باره انجام شده اما این پژوهش‌ها عمدتاً متمرکز بر مفهوم‌شناسی عقل و حوزه معنایی آن بوده و در هیچ یک از پژوهش‌ها استعاره مفهومی «عقل» در روایات مورد توجه قرار نگرفته است<sup>۱</sup>. از آنجا که احادیث اصالتاً ماهیت زبانی دارند و از قوانین حاکم بر زبان پیروی می‌کنند و کاربست استعاره مفهومی در القاء مفاهیم انتزاعی در متون روایی موجب درک عمیق‌تر موضوعات انتزاعی می‌شود، پژوهش حاضر بر آن است تا حوزه انتزاعی «عقل» را در روایات در چارچوب نظریه استعاره مفهومی «لیکاف» و «جانسون» مورد بررسی قرار داده و به این سوال پاسخ دهد که استعاره مفهومی «عقل» در روایات به چه صورتی است؟

## ۲- استعاره مفهومی

استعاره‌ی مفهومی از سازوکارهای بنیادین نظام شناختی است. استعاره در نیمة دوم قرن بیستم به عنوان فرایندی فعال در نظام شناختی انسان در مطالعه ذهن و زبان مطرح شد. از منظر دانشمندان علوم شناختی نظام مفهومی انسان که به وسیله آن تفکر و عمل می‌کند، ماهیت استعاری دارد. «جورج لیکاف» و «مارک جانسون» برای اولین بار تحلیل شناختی از

۱. از جمله نک: قاسمی حامد (۱۳۹۶) در رساله دکتری با عنوان «عقل و هوی در قرآن کریم و نهج البلاغه، مفهوم‌شناسی، کارکرد و آثار»؛ مصباح (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود با عنوان «مفهوم عقل در قرآن و حدیث»؛ قربانی‌زرین (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «واکاوی معناشناختی عقل در زبان عربی و قرآن کریم با تکیه بر آراء شیخ طوسی در التبیان»؛ یاوریان (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی حوزه معنایی عقل در نهج البلاغه»؛ جهان‌میبن (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «متزلت عقل در روایات»؛ فلسفی جو (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و تحلیل رابطه عقل و عاطفه در نهج البلاغه و استلزمات تربیتی آن»، «عقل» را از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار دادند.

استعاره ارائه دادند. از منظر این دو دانشمند مفاهیم حاکم بر اندیشه بشر، منحصر به موضوعات فکری نیست بلکه افعال روزانه و جزئیات زندگی او را نیز در بر می‌گیرد.

«لیکاف» بر این باور است که بیشتر مفاهیم کلی انتزاعی، از راه استعاره و براساس مکان، حرکت و نیرو مفهومسازی می‌شوند. این مفاهیم در هسته مرکزی نظام‌های مفهومی قرار دارند و مفهومسازی آن‌ها به شکل استعاری نشان دهنده استعاری بودن نظام مفهومی است (لیکاف، ۲۳۰). از منظر «لیکاف» و «جانسون» کاربست تعبیرهای استعاری نظام‌مند است و زبان استعاری، تنها نمایشی آشکار از استعاره مفهومی به حساب می‌آید.  
(فتحی‌زاده و داوودی، ۲۲۱)

در دیدگاه معاصر، استعاره مفهومی دارای دو سازه اساسی است. یکی حوزه «مقصد» و دیگری حوزه «مبدأ». حوزه «مقصد» به مفاهیم انتزاعی و ذهنی گفته می‌شود که درک آن‌ها به تهایی دشوار است و از رهگذر فرایند استعاره درک پذیر می‌شوند. حوزه «مبدأ» حوزه مفهومی است که برای درک حوزه انتزاعی بکار گرفته می‌شود و معمولاً از تجارب روزمره انسان‌ها و امور شناخته شده و محسوس تشکیل شده است. نگاشت مهمترین رکن استعاره مفهومی و به معنای تناظرهای نظام‌مند استعاری بین حوزه‌های مفهومی مبدأ و مقصد است. خصوصیات استعاره از منظر شناختی شامل الگویی، سامان یافتنگی و یک‌سویه بودن است. الگویی ناظر به آن است که شکل‌گیری یک استعاره، مدلی برای شکل‌گیری بقیه استعاره‌ها است. منظور از سامان یافتنگی آن است که هنگامی که استعاره‌ای برای یک مفهوم شکل گرفت، مبنایی برای شکل گیری استعاره‌های تازه دیگر با نگاشت جزء‌های مفهوم مبداء و جزء‌های مفهوم مقصد است و یک‌سویگی آن است که وقتی استعاره‌ای در قالب حوزه مبداء و مقصد شکل گرفت، عکس آن ممکن نیست. (مکوند و زیارتی، ۸۲)

از نظر «لیکاف» و «جانسون» استعاره‌های مفهومی شامل استعاره‌های «جهتی»<sup>۱</sup>، استعاره‌های «هستی‌شناختی»<sup>۲</sup> و استعاره‌های «ساختاری»<sup>۳</sup> است. در استعاره «جهتی» مفاهیم

1. Orientaional  
2. Ontological  
3. Structural

ذهنی، جهت مکانی می‌پذیرد. در این نوع از استعاره هرچند جهت‌های مکانی مانند بالا و پایین، جلو و عقب، روی و زیر و غیره وجود دارد، اما در فرهنگ‌های مختلف، معانی متفاوتی دارد (لیکاف و جانسون، ۱۹). در استعاره «هستی‌شناختی» به شیئی که هویت انسانی ندارد، شخصیت داده می‌شود. در این نوع از استعاره وقایع، اندیشه‌ها و احساس‌ها به عنوان حقیقت شیء یا شخص و مشتمل بر صفات جوهری آن در نظر گرفته می‌شوند (قائمی‌نیا، ۷۰) و درک انسان از پدیده‌های انتزاعی با تجربه بشر از اجسام و اشیا فیزیکی خواهد بود (لیکاف و جانسون، ۲۵). در استعاره «ساختاری» یک مفهوم براساس مفهوم دیگر فهمیده می‌شود و از یک مفهوم نظام‌مند برای ساختاردهی به مفهوم دیگر بهره گرفته می‌شود. (همانجا، ۶۲)

### ۳- استعاره مفهومی «عقل» در روایات معصومان(ع)

چیستی «عقل» یکی از موضوعات قابل اهمیتی است که در حوزه‌های اندیشهٔ بشری مورد بررسی قرار گرفته است. در آموزه‌های قرآنی مفهوم «عقل» ناظر به فهم تام و درک صحیح بدون اکتفا به ظاهر و دخالت گرایش‌های نفسانی است. بسیاری از پژوهشگران از دیر باز تلاش کرده‌اند تا مفهوم «عقل» را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهند. واژه «عقل» در لغت ضد «جهل» (فراهیدی، ۱۵۹/۱) و ضد حمق است. «عقل» به طنابی گفته می‌شود که بر پای شتر بسته می‌شود تا مانع حرکت آن شود (ابن‌منظور، ۴۵۹/۱۱). برخی واژگان مانند علم، امساك، تدبر، تشخيص، ادراك، خوب فهميدن، قوه مدركه، سريچي از هوای نفس (مصطفوي، ۱۹۶/۸) حفظ کردن و نگه داشتن با اين واژه ارتباط تنگاتنگ دارد. (موسوي و عمومي، ۳۰۰)

در متون ديني گاه از «عقل» با تعابيری مانند <sup>نهيه</sup>، «حجر»، «قلب» و <sup>لب</sup> ياد می‌شود. عقل به سبب نقش بازدارندگی انسان از گناه <sup>نهيه</sup> و به جهت نگهداري نفس در حصاری مستحکم و نفوذناپذير «حجر» و به خاطر تشخيص خالصی‌ها از ناخالصی «لب» در مقاله

خود با عنوان «واکاوی معناشناختی عقل در زبان عربی و قرآن کریم با تکیه بر آراء شیخ طووسی در التبیان») و به جهت اینکه مرکز باطنی ادراک و فهم و شعور انسان است «قلب» نامیده شده است (صبحاً، ۵۶-۶۰). «عقل» از نیروهای درونی انسان و تفکیک کننده خیر از شر و حق از باطل و مهارکننده هواهای نفسانی و وادارکننده انسان به نیکی و صلاح است.

در پژوهش حاضر برای دستیابی به مفاهیم استعاری حوزه «عقل» در روایات مقصومان(ع) از کتاب «العقل و الجهل فی الكتاب و السنّة» از آفای ری شهری استفاده شده است. آنچه در ادامه خواهد آمد نگاشتهای حاصل از بررسی روایات ناظر بر حوزه «عقل» است.

### ۱-۳. عقل به مثابه گنج

جسم شدگی یکی از اصول معنی‌شناسی شناختی است. شناخت از طبیعت اجسام تاثیر می‌گیرد و جسم شدگی به وسیله زبان بیان می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «بَعَثَ فِيهِمْ رُسُلًا وَ وَاتَّرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِياءً، لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيشَاقَ فِطْرَتِهِ، وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ، وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالْتَّبْلِغِ، وَيُبَيِّرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (سیدرضی، ۴۳؛ ری شهری، ۱۰۲/۱) یعنی خداوند، رسولان را در میان مردم برانگیخت و پیامبران را در پی فرستاد تا پیمان فطرت را به آنان ابلاغ کنند و نعمت‌های فراموش شده الهی را بر آنان گوشزد کنند و با تبلیغ و رساندن پیام بر آنان، احتجاج نمایند و گنجینه‌های خرد را بر ایشان بر ملا سازند. امام علی(ع) برای انتقال مفهوم «عقل» از استعاره مفهومی کمک گرفته تا مفهوم انتزاعی و غیرمحسوس «عقل» به واسطه مفاهیم ملموس‌تر قابل درک شود. در عبارت «وَيُبَيِّرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» میان دو حوزه مبدأ (گنج) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. در روایت مزبور «عقل» به مثابه گنجینه‌ای مفهوم‌سازی شده که ارزشمند و گرانها است. در این طرح واره با تصویر آنچه از کاربرد «گنج» در زندگی انسان ترسیم می‌شود، به ارزش و کارایی «عقل» پرداخته شده است. نگاشت میان دو حوزه، ارزشمندی و گرانها بودن است همانطور که برای رسیدن به گنج که بیشتر در قعر غارها یا در زیر زمین پنهان است باید تلاش کرد، «عقل» نیز عظیم‌ای الهی و پنهان در درون انسان است که برای برخورداری و استفاده از آن تلاش مضاعفی لازم است.

### ۳-۲. عقل به مثابه نردن

در کلام امام علی(ع) «العقلُ رَقِيٌّ إِلَى عَلَيْنَا» (همو، ۷۴/۱) از استعاره مفهومی عقل، نردن علین در بافتی تمثیلی و مؤثر استفاده شده است. در این استعاره میان حوزه مبدأ (نردن) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. نگاشت بر جسته این حوزه، تعالی و پیشرفت است. انسان برای رسیدن به اهداف والای خود نیاز به ابزار بالا بمندی به نام «عقل» دارد تا با کمک آن پله‌های تعالی را یک به یک سپری کرده و با حرکتی رو به بالا به سوی مقصد غایی خوبیش رسید. نردن، همانطور که رابط میان آسمان و زمین است و صعود تدریجی و گام به گام را نشان می‌دهد، نمایان کننده تفاوت میان دو سطح پایین و بالا است. کاربست این استعاره به مخاطب الفاء می‌کند که برای رسیدن به تعالی باید حرکت صعودی داشت و با کمک «عقل» اوچ گرفت. از آنجا که نردن دارای پله است کاربست استعاری «عقل» در حرکت به سوی اوچ، دارای فرایندی پلکانی شامل آغاز، پیشروی و کمال است. در شروع باید با کمک «عقل» از شرایط زمینی مانند هواهای نفسانی عبور کرد و در میان راه بدون توقف در مسیری پیوسته و رو به بالا و با گام‌های مطمئن تلاش کرد تا به آخرین پله کمال و قرب الهی نائل شد.

### ۳-۳. عقل به مثابه روشنایی و چراغ

از آنجا که استعاره در بستر فرهنگ و اندیشگانی دوره‌ها به وجود می‌آید، استعاره‌های موجود در روایات از جمله استعاره نور نیز با نگاهی وسیع به دوران‌های بشری شکل گرفته است. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «العقلُ نُورٌ خَلَقَهُ اللَّهُ لِلإِنْسَانِ، وَجَعَلَهُ يُضِيءُ عَلَى الْقَلْبِ لِيَعْرِفَ بِهِ الْفَرْقَ بَيْنَ الْمُشَاهَدَاتِ مِنَ الْمُغَيَّبَاتِ» (همو، ۳۰/۱) و نیز در روایتی دیگر «عقل» را نوری معرفی می‌کند که خداوند آن را برای انسان آفرید و وسیله روشنی بخشی دل قرارداد تا با آن تفاوت دیدنی‌ها را از نادیدنی‌ها باز شناخته شود<sup>۱</sup> (همانجا). همچنین

۱. «العقلُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ، يُفَرَّقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ».

معصوم(ع) با استفاده از استعاره مفهومی ملموس‌تر روشنایی برای القاء مفهوم انتزاعی «عقل» فرموده است: «الْعَقْلُ نُورٌ خَلَقَهُ اللَّهُ لِلإِنْسَانِ» و «الْعَقْلُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ». نور نماد روشنگری، معرفت افزایی، وضوح و زیبایی است. نور از اجزای عینی چراغ است که روشنایی آن سبب می‌شود تا انسان مسیر درست را بهتر بیابد و در تاریکی‌ها گرفتار نشود.

معصوم(ع) «عقل» را به مثابه نوری می‌داند که با روشنایی آن می‌توان راه حق و راه باطل را تمیز داد و از ظلمات جهل به نور هدایت رهنمون شد. نور زداینده تاریکی‌ها و موجب معرفت افزایی است. از کاربست نور در ساحت معنوی با عنوان « بصیرت » یاد می‌شود. باید توجه داشت که این تصویر از قلمرو مقصد استعاره عقل، از جمله کهن الگوهای بشری است که معصوم(ع) به دلیل آشنایی ناخودآگاهی ذهن بشر از این ابزار شناختی برای بیان مقصود خویش بهره جسته است.

روشن است که زبان یکی از شیوه‌های بازنمایی جهان در ذهن و ابزاری برای ساماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات است و مانند حوزه‌های شناختی دیگر متأثر از فرآیند مفهوم‌سازی است. در این راستا معصومان(ع) برای مفهوم‌سازی «عقل» از مفهوم عینی «چراغ» استفاده کردند. رسول خدا(ص) «عقل» را در دل، به مثابه چراغ در میان خانه معرفی کرده و می‌فرماید: «مَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ» (همانجا). در این روایت میان دو حوزه مبدأ (چراغ) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. «سراج» به وسیله‌ای گفته می‌شود که نورانی و روشن کننده است؛ از این‌رو به خورشید نیز مجازاً «سراج» اطلاق می‌شود (طربی، ۳۰۹/۲). همان‌گونه که چراغ، روشنگر خانه است و اهل خانه با وجود آن احساس امنیت و آسایش می‌کنند، «عقل» نیز جان و دل آدمی را روشنایی می‌بخشد و باعث اینی آدمی می‌شود. چراغ حامی نور است و نور جلوه چراغ.

«عقل» چراغی است که روشنایی خانه دل از آن است. چراغ «عقل» چنان قلب آدمی را روشن می‌کند و با گوشت و خونش در هم می‌آمیزد که انسان با وجود آن به تاریکی و گمراهی جهل کشیده نمی‌شود. به همین جهت امام کاظم(ع) «عقل» را روشنایی جان معرفی

می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ ضَوْءَ الرُّوحِ الْعَقْلِ» (ری شهری، ۳۱/۱). همان‌طور که نور، خود روشن است و غیر خود راهم روشن می‌کند، «عقل» روشنی بخش روح و جان آدمی است. در خشنده‌گی، روشنایی، آگاهی، شفافیت و زلال بودن از نگاشتهای آشنا این استعاره است.

### ۴-۴. عقل به مثابه شمشیر

در روایات معصومین(ع)، مفهوم سازی «عقل» با استفاده از مفاهیم مربوط به ابزار جنگاوری مانند شمشیر صورت گرفته است. امام علی(ع) می‌فرماید: «الْحِلْمُ غِطَاءُ سَاطِرٍ، وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ، فَاسْتُرْ خَلَّالَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ، وَقَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ» (همو، ۲۴۲/۱). یعنی برداری، پرده‌ای پوشان است و خرد شمشیری برند، پس کاستی‌های اخلاق خویش را با برداری پوشان و با خرد خود با هوای نفست بجنگ. «حسام» به معنای شمشیر برند است (طريحی، ۴۱/۶). در این استعاره میان حوزه مبدأ (شمشیر) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. نگاشت حاصل از این استعاره تیزی و برندگی، قدرت و کارساز بودن است. شمشیر از ابزار جنگاوری است و خوب را از بد جدا می‌کند. این استعاره نشان می‌دهد که در جهاد بزرگ مبارزه با نفس و برای رهایی از هوس‌ها باید از شمشیر «عقل» کمک گرفت. همان‌گونه که شمشیر میان حق و باطل تمایز ایجاد می‌کند، «عقل» نیز با قدرت تشخیص خود مواضع درست از نادرست را جدا کرده و آدمی را در مسیر حق پیش می‌برد. «عقل» قدرتی برای کسب معرفت و بصیرت و ابزاری برای به دو نیم کردن ظلمت جهل است و با خردورزی می‌توان موانع پیش‌رو را از میان برد.

### ۵-۵. عقل به مثابه کلید

امام صادق(ع) «عقل» را با استفاده از مفهوم کلید مفهوم سازی نموده و می‌فرماید: «وَهُوَ [العقل] مِفْتَاحُ أَمْرِهِ» (همو، ۱۳۲/۱) یعنی «عقل» کلید کارهای او [انسان] است. ابن اثیر در باره «مفتاح» می‌گوید: «مِفْتَاحٌ وَمِفْتَحٌ، وَهُما فِي الْأَصْلِ: كُلُّ مَا يَتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى اسْتِخْرَاجِ

المغلقات التي يتعذر الوصول إليها<sup>۱</sup> (ابن‌اثير، ۳/۴۰۷). در این استعاره مفهومی، حوزه مبدأ (کلید) و حوزه مقصد (عقل) است. نگاشت میان دو حوزه، گشايش است. «کلید» ابزاری است که به‌وسیله آن درهای بسته گشوده می‌شود. با «عقل» می‌توان گره‌های بسته زندگی دنیوی و اخروی را باز کرد. همانطور که «کلید» ابزاری برای وارد شدن و ابزاری برای رسیدن به مقصد است با کمک «عقل» می‌توان به پناهگاه امن خداوند راه یافت و به قرب الهی نائل شد.

#### ۳-۶. عقل به مثابه ثروت

رسول خدا (ص) برای بیان ارزش «عقل» از استعاره مفهومی استفاده کرده و می‌فرماید:

«لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ، وَلَا مَالٌ أَعُوْذُ مِنَ الْعُقْلِ» (ری‌شهری، ۱/۶۴) یعنی هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست و هیچ سرمایه‌ای پرسودتر از خرد نیست. ابن‌اثیر «مال» را در اصل به معنای صاحب طلا و نقره بودن می‌داند: «الْمَالُ فِي الْأَصْلِ: مَا يَمْلِكُ مِنَ الْذَّهَبِ وَالْفَضَّةِ، ثُمَّ أَطْلَقَ عَلَى كُلِّ مَا يَقْتَنِي وَيَمْلِكُ مِنَ الْأَعْيَانِ»<sup>۲</sup> (ابن‌اثیر، ۴/۳۷۳). در این استعاره میان حوزه مبدأ (مال) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. نگاشت حاصل از این استعاره ارزشمندی است. «عقل» سرمایه‌ای با ارزش است که بهره‌گیری از آن سود سرشاری برای انسان دارد.

علاوه بر آن امام علی(ع) هیچ سرمایه‌ای را سودمندتر از «عقل» نمی‌داند: «لَا عُدَّةَ أَنْفَعُ مِنَ الْعُقْلِ» (ری‌شهری، ۱/۶۴). منظور از «عدّة» مال و سلاحی است که انسان برای حوادث روزگار فراهم می‌آورد. (طربی، ۳/۱۰۰). همچنین در کلام علوی «عقل» سرمایه پنهان معرفی شده است: «الْعُقُولُ ذَخَائِرُ، وَالْأَعْمَالُ كُنُوزٌ» (همو، ۱/۶۸). ابن‌درید «ذُخْر» را به معنای مال یا چیزی می‌داند که اندوخته شده باشد (ابن‌درید، ۱/۵۸۱). انسان دوستدار

۱. «مفتأح» و «مفتح»، در اصل هر چیزی است که برای بیرون آوردن بسته‌هایی با قابلیت دست‌یابی دشوار از آن استفاده می‌شود.

۲. «مال» در اصل به دارایی از طلا و نقره گفته می‌شود؛ سپس به هر چیزی‌عنی اطلاق می‌شود که نگهداری شود و مملوک واقع گردد.»

ثروت است و می‌خواهد به وسیله آن به بی‌نیازی دست یابد. با «عقل» که سرمايه‌ای با ارزش است می‌توان به بی‌نیازی رسید. همانطور که انسان با ثروت از دیگران بی‌نیاز می‌شود به کمک «عقل» از پرستش غیر خدا بی‌نیاز می‌شود و به رستگاری می‌رسد.

در روایتی دیگر، امام علی(ع) «عقل» را به مثابه «منفعت» معرفی کرده است: «العقلُ مَنْفَعَةٌ، وَ الْعِلْمُ مَرْفَعَةٌ، وَالصَّبْرُ مَدْفَعَةٌ»<sup>۱</sup> (ری شهری، ۱۶۶/۱). ابن‌منظور «نفع» را ضد «ضرر» و به معنای «سود» می‌داند (ابن‌منظور، ۳۵۲/۸) در این استعاره مفهومی، حوزه مبدأ (سود) و حوزه مقصد (عقل) است. علاوه بر آن امام علی(ع) برای بیان مفهوم انتزاعی «عقل» از مفهوم آشناتر «بی‌نیازی» استفاده کرده است: «لَا غِنَى أَكْبَرُ مِنَ الْعَقْلِ» (ری شهری، ۶۴/۱). یعنی هیچ بی‌نیازی بزرگ‌تر از خرد نیست و نیز فرموده است: «إِنَّ أَغْنَى الْفِنَى الْعَقْلُ» (سیدررضی، ۴۷۵). امام صادق(ع) نیز با استفاده از همین استعاره هیچ بی‌نیازی را پربارتر از خرد و هیچ تنگدستی را پست‌تر از نادانی نمی‌داند.<sup>۲</sup> (همو، ۶۶/۱)

### ۷-۳. عقل به مثابه زینت

از آنجا که «عقل» ماهیتی انتزاعی دارد و از دسترس تجربه حسی دور است؛ استعاره «عقل» به مثابه «زینت» دارای کارکرد توضیحی و شناختی است. کاربست این استعاره، باعث فهم‌پذیر شدن مفهوم «عقل» با ساختاربندی در قالب حوزه «زیور» و با دریافت حسی نزدیک‌تر است. امام علی (ع) می‌فرماید: «حَسَبُ الْمَرءِ عِلْمُهُ، وَ جَمَالُهُ عَقْلُهُ» (همو، ۶۲) یعنی تبار آدمی دانش اوست و زیبایی او به خرد اوست. جوهری «جمال» را به معنای حُسن می‌داند (جوهری، ۱۶۶۱/۴). در این استعاره مجموعه‌ای از تناظرها میان حوزه مبداء (زیبایی) و حوزه‌ی مقصد (عقل) وجود دارد. انسان به زیبایی علاقه‌منداست. خداوند زیبایی‌ها، «عقل» را به انسان هدیه داده است تا روح و روان او نیکو باشد.

۱. عقل، سود رساند، دانش، بالا برد و شکیبایی، دفاع کننده است.

۲. «لَا غِنَى أَخْصَبُ مِنَ الْعَقْلِ، وَلَا فَقَرَأَحَطُّ مِنَ الْحُمَقِ».

در روایتی دیگر امام علی(ع) «عقل» را زیباترین آرایه معرفی می‌کند: «العقلُ أحسنُ حليلة» (ری شهری، ۶۲/۱). مطرزی در باره معنای «حلیه» می‌گوید: «الحلیة: الزينة من ذهب أو فضة» (مطرزی، ۲۲۲/۱).

از استعاره مفهومی «عقل» به مثابه «زینت» می‌توان به سخن امام علی (ع) «زینة الرجلِ عقله»<sup>۱</sup> (همو، ۶۲/۱) و «العقلُ أجملُ زينةٍ، والعلمُ أشرفُ مَزِينةً»<sup>۲</sup> (همو، ۶۲/۱) و «العقلُ زین، الحُمقُ شَيْن»<sup>۳</sup> (همو، ۶۲/۱) اشاره کرد. طریحی در باره معنای «الزینه» می‌نویسد: «ما يُترَكُنْ بِالإِنْسَانِ مِنْ حَلَىٰ وَ لِبْسٍ وَ أَشْبَاهِ ذَلِكَ» (طریحی، ۲۶۲/۶).

در سخن امام علی(ع): «مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ «عقل» يَزَينُهُ لَمْ يَنْبُل» (همو، ۶۲/۱) استعاره مفهومی عقل به مثابه زینت به شکل آشکار وجود دارد. ایشان می‌فرماید هر که از خردی که او را بیاراید، بی‌بهره باشد، رشد نخواهد یافت. افزون بر آن در کلام علوی: «زَيْنُ الدِّينِ الْعَقْلُ» (ری شهری، ۶۴/۱) آرایش دین‌داری، به خرد دانسته شده است. واضح است که «عقل» زیننده جان آدمی است و زیبایی و آراستگی دین را دوچندان می‌کند. انسان دین‌دار، انسانی خردورز است.

در سخن امام عسکری(ع): «حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالُ ظَاهِرٍ، حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ» (همو، ۶۴/۱) جلوه‌های بیرونی انسان با زیبایی‌های درونی مفهوم‌سازی شده و زیبایی صورت، زیبایی ظاهری و زیبایی خرد، زیبایی باطنی معرفی شده است. همان‌گونه که زیبایی‌های ظاهری خوشایند است، زیبایی‌های باطنی نیز پسندیده است که مظهر آن «عقل» می‌باشد.

### ۳-۸. عقل به مثابه هدیه

یکی از مقاومتی که از سوی معصومان(ع) در استعاره «عقل» گنجانده شده، مفهوم «هدیه» است. رسول خدا(ص) «عقل» را ارمغانی از سوی خداوند مفهوم‌سازی کرده و

۱. آرایه آدمی خرد است.
۲. خرد، زیباترین آرایه و دانش گرامی‌ترین رتبه است.
۳. خرد، زیبایی است و نادانی زشتی.

می فرماید: «الْعَقْلُ هَدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ» (همو، ۵۰/۱). در این استعاره مفهومی، حوزه مبدأ (هدیه) و حوزه مقصد (عقل) است. نگاشت میان دو حوزه، بخشناس است. هدیه بخشیدنی است، نه اکتسابی و موجب شادی و انبساط خاطر می‌شود و بیانگر توجه هدیه‌دهنده به دریافت‌کننده آن است که در این حدیث هدیه‌دهنده خداست.

در روایتی از امام علی (ع) آمده است که بهترین بخشش‌ها «عقل» است: «خَيْرُ الْمَوَاهِبِ الْعَقْلُ» (همو، ۵۴/۱) و نیز می‌فرماید: «أَفْضَلُ مَا مَنَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ عِلْمٌ وَعَقْلٌ، وَمُلْكٌ وَعَدْلٌ» (همو، ۶۶/۱) یعنی برترین بخشش خداوند سبحان بر بندگانش، دانش و خرد است و حکمرانی و عدالت پیشگی. از هری مِنْت را به معنای عَظِيَّةٍ می‌داند (از هری، ۳۳۹/۱۵). در سخن امام حسن (ع) نیز «عقل» بهترین بخشش خداوند به بنده مفهوم‌سازی شده است: «الْعَقْلُ أَفْضَلُ مَا وَهَيَّهُ اللَّهُ تَعَالَى لِلْعَبْدِ، إِذْ بِهِ نَجَّاثُ فِي الدُّنْيَا مِنْ آفَاتِهَا وَسَلَامَتُهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ عَذَابِهَا» (ری شهری، ۵۴/۱). ابن‌منظور «موهبت» را به معنای عطا و بخشش می‌داند. (ابن‌منظور، ۸۰۱/۱)

### ۹-۳. عقل به مثابه چشمeh

امام علی (ع) از طریق استعاره مفهومی «عقل به مثابه چشمeh» به خلق معنا و درک بهتر مفهوم انتزاعی «عقل» کمک کرده است. در کلام علوی: «الْعَقْلُ يَنْبُوُغُ الْخَيْرِ» (ری شهری، ۱۶۶/۱) میان حوزه مبدأ (چشمeh) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. چشمeh یکی از عناصر طبیعت است. این استعاره ریشه در زندگی بخشی دارد. «ينبوع» به معنای چشمeh آب است. (جوهری، ۱۲۸۷/۳) در نگاشت استعاری عقل، چشمeh است یک فضای کلی برای مفهوم «عقل» نگاشت شده است. به سبب نقش بنیادین «عقل» و سرشاری و زایایی آن استعاره مفهومی موجب شده تا در ذهن مخاطب تداعی شود که «عقل» سرمنشأ همه کنش‌ها و منش‌هایی است که انسان برای زندگی سعادتمدانه خود به آن محتاج است و با الهام گرفتن از این منبع پویا و زایا بسیاری از رخدوت‌ها و آفت‌های مسیر زندگی

خویش را می‌شناسد و آن را بر طرف می‌سازد. گفتنی است «عقل» مانند چشمی دارای پویایی، دوام، خلوص و استمرار است.

### ۱۰-۳. عقل به مثابه لباس نو

در روایات معصومین(ع) شاهد آن هستیم که «عقل» لباسی نوبی معرفی شده که کهنه نمی‌شود (ری شهری، ۶۰/۱). «ثوب» به لباس گفته می‌شود (طربی، ۲۰/۲). در نگاشت استعاری «عقل» لباس است یک جسم شدگی برای مفهوم «عقل» نگاشت شده است. در این استعاره میان حوزه مبدأ (لباس) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. به سبب نقش محافظت‌کنندگی «عقل» این استعاره مفهومی صورت گرفته تا در ذهن مخاطب تداعی شود که خرد همچون لباسی نو همواره روح و تن آدمی را نگهداری می‌کند. لباس همواره ملازم انسان است و پوشاننده انسان در مقابل سرما و گرما است و موجب می‌شود که انسان جلوه‌ای نیکو داشته باشد و عیوبش مخفی بماند. در لباس نو فرسودگی وجود ندارد.

معنای دیگر «ثوب» بازگشت است (راغب اصفهانی، ۱۷۹) لباس را به آن دلیل «ثوب» می‌گویند که مواد خام رشته شده به حالتی که مقصود اصلی از بافت است (جامه) بازمی‌گردد. انسان با تاروپیود «عقل» پارچه خود را می‌بافد. جامه مختص انسان است و حیوانات از آن استفاده نمی‌کنند. «عقل» لباسی نو معرفی شده که هرگز رنگ کهنه‌گی به خود نمی‌گیرد و اهمیت آن برای آدمی کم یا تمام نمی‌شود. در سخن امام علی(ع): عقل، پوشاننده عیب‌هاست (ری شهری، ۷۸/۱) و «عقل، پرده‌ای پوشان است» (همو، ۲۱۴/۱) نیز مشابه این استعاره استفاده شده تا حوزه مفهومی «عقل» با کمک حوزه مفهومی مبدأ (پوشش) درک شود. در این استعاره مفهوم انتزاعی «عقل» به کمک مفهوم ملموس «پوشش» مفهوم‌سازی شده و «عقل» به عنوان یک شیء در نظر گرفته شده است. نگاشت میان این دو حوزه حفاظت‌کنندگی و رفع عیوب است.

### ۱۱-۳. عقل به مثابه ستون

در کلام نبوی «عقل» به عنوان ستون دین بازنمود یافته است: **إِنَّ مِنْ دِعَامَةِ الْبَيْتِ أَسَاسَهُ، وَدِعَامَةُ الدِّينِ الْمَعْرِفَةُ بِاللَّهِ تَعَالَى وَالْيَقِينُ بِتَوْحِيدِهِ وَالْعَقْلُ الْقَامُعُ، فَقَالُوا: وَمَا الْقَامِعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْكَفُّ عَنِ الْمَعَاصِي وَالْحِرْصُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَالشُّكْرُ عَلَى جَمِيعِ إِحْسَانِهِ وَإِعْامِهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ**<sup>۱</sup> (همو، ۶۰/۱). طریحی «دعامة» را ستونی می‌داند خانه روی آن ساخته می‌شود (طریحی، ۶۲/۶) در این استعاره مجموعه‌ای از تناظرها میان حوزه مبداء (ستون) و حوزه‌ی مقصد (عقل) وجود دارد. در روایت مزبور «عقل» به مثابه ستون مفهوم‌سازی شده که استوار و مستحکم است. در این طرح‌واره با تصویر آنچه از کاربرد «ستون» در زندگی انسان مجسم می‌شود، به تکیه‌گاه بودن و قدرت «عقل» پرداخته شده است. نگاشت میان دو حوزه، استواری و استحکام است. همانطور که ستون محور ساختمان است و سطوح مختلف بنا را به هم ارتباط می‌دهد و ضامن استحکام ساختمان است و لرزیدن آن همه ساختمان را تهدید می‌کند، «عقل» نیز استحکام دین آدمی را تضمین می‌کند و هرگونه تزلزل در آن موجب ایجاد خطر در دین انسان می‌شود. همانطور که ستون پایین ساختمان را به بالای آن مرتبط می‌کند «عقل» نیز انسان را با خداوند مرتبط می‌سازد و دین انسان را استوار و مستحکم می‌کند.

در کلام علوی «عقل» نیرومندترین اساس دانسته شده است (همو، ۶۸/۱). «أساس» جمع «أس» و به معنای اصل ساختمان است (فراهیدی، ۳۳۴/۷). حوزه مبداء (اساس) و حوزه مقصد (عقل) است. نگاشت حاصل از حوزه مبداء و مقصد قدرت است. انسان با قدرت «عقل» می‌تواند حقانیت دین و دعوت انبیاء را درک کند و باورهای بنیادین را تحکیم نماید.

### ۱۲-۳. عقل به مثابه درخت

درخت دارای سرسیزی و طراوت است و با توجه به فصول مختلف در آن تغییر ایجاد

۱. تکیه‌گاه خانه، پایه آن است و تکیه‌گاه دین، شناخت خداوند متعال، یقین به یگانگی او و خردی سرکوب‌کننده است. پرسیدنده: ای رسول خدا سرکوب‌کننده چیست؟ فرمود: «بازداری از گناهان، شوق داشتن بر پیروی از خداوند و سپاسگزاری بر همه بخشش‌ها و نعمت‌ها و آزمایش‌های نیکو».

می‌شود و نشان پویایی و حرکت و سیر زندگی دارد. صعود درخت به سوی آسمان مظہر استواری و قائمیت است و نشانی از ارتباط میان زمین و آسمان دارد. امام علی (ع) برای انتقال مفهوم «عقل» از مفهوم ملموس‌تر درخت استفاده کرده است: «العقلُ شجرةً أصلُها التّقىٌ، وفرعُها الحَياءُ، وثمرُها الورعُ»<sup>۱</sup> (ری شهری، ۱۴۲/۱). در روایت مزبور میان دو حوزه مبدأ (درخت) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است و «عقل» به مثابه درختی مفهوم‌سازی شده که دارای ریشه، ساقه و میوه است. در این طرح‌واره با تصویر آنچه از کاربرد «درخت» ترسیم می‌شود، به کلیت «عقل» پرداخته شده که دارای اجزاء است. ریشه درخت تقوا است که اساس آن را تشکیل می‌دهد و اهمیت آن را می‌رساند و شاخه‌های آن حیا و میوه آن پرهیزکاری است.

### ۱۳-۳. عقل به مثابه مرکب

امام علی (ع) برای بیان مفهوم انتزاعی «عقل» از «وسیله حرکت» بهره گرفته است: «العقلُ مركبُ العلمِ» (همو، ۱۳۳/۱) در این استعاره مفهومی حوزه مبدأ (مرکب) و حوزه مقصد (عقل) است. نگاشت میان دو حوزه، حرکت و پویایی، سرعت و راهواری است. همانطور که مرکب وسیله حرکت است و برای رسیدن سریعتر به مقصد از آن استفاده می‌شود، «عقل» نیز با این انگاره تصویری، وسیله‌ای برای به حرکت در آوردن علم و رسیدن سریع‌تر به اهداف غایی انسان و نزدیک شدن به خداوند است.

### ۱۴-۳. عقل به مثابه درمان

طبیب برخوردار از دانشی است که براساس آن بیماران روحی و جسمی را مداوا می‌کند. امام علی (ع) مواجهه درخور عاقل با نادان را مانند رویارویی پزشک با بیمار مفهوم‌سازی می‌کند (همو، ۲۴۵/۱). در این روایت میان دو حوزه مبدأ (درمان) و حوزه

---

۱. خرد، درختی است که ریشه آن پارساپی، شاخه‌هایش آزرم و میوه آن، ورع است.

مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است و انسان عاقل به مثابه طبیبی مفهوم‌سازی شده که دارای قدرت تشخیص، شفابخشی، چاره اندیشی و محبویت است. از آنجا که نقش طبیب در درمانگری یکی از نقش‌های آشنا با ذهن مردم است این استعاره مفهومی از جمله استعاره‌هایی است که از فرهنگ و اندیشه‌ای دیرپا در جامعه ریشه می‌گیرد.

### ۳-۱۵. عقل به مثابه دوست

مفهوم «دوست» یکی از پرکاربردترین مفهوم‌های عینی است که برای ساخت سازی مفهوم انتزاعی «عقل» در روایات به کار رفته است. امام علی(ع) «عقل» را دوست آدمی معرفی می‌کند: «العقلُ خَلِيلُ الْمَرءِ» (همو، ۵۸/۱). فیروزآبادی «خلیل» را به معنای کسی می‌داند که دوستی خالص دارد (فیروزآبادی، ۵۰۷/۳) در این روایت برای درک مفهوم انتزاعی «عقل» از مفهوم «دوست» استفاده شده که مفهوم آن را انسان از پیش درک کرده است و ناخودآگاه میان اجزای مفهومی انتزاعی «عقل» و اجزای مفهومی دوست ارتباط برقرار نموده و به کمک این تناظر، مفهوم انتزاعی «عقل» را بهتر می‌فهمد. در طرح واره تصویری استعاره «عقل» ملازمت، همراهی و خیرخواهی بر حوزه مقصد «عقل» نگاشت شده است. معصوم(ع) «عقل» را برای انسان خردمند همچون دوستی می‌داند که هرگز او را ترک نمی‌کند و همیشه همراه اوست. «عقل» بسان دوست آدمی ارتباط تنگاتنگ و جدانشدنی باروح و روان انسان دارد. همان‌طور که انسان با دوست خود رابطه نزدیک دارد، عقل نیز با انسان همراه است. همان‌طور که دوست، پشتیبان، حمایت‌گر، همراه و خیرخواه دوست خود است «عقل» نیز خیرخواه، ملازم و پشتیبان آدمی است.

در سخن امام علی(ع): «العقلُ صَدِيقٌ مَحْمُودٌ» و «العقلُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ» (ری شهری، ۶۰/۱) عبارات استعاری دیده می‌شود که تجلی زبانی استعاره مفهومی است که «عقل» دوست خوب آدمی و رفیق خالص مومن است. همانطور که دوست خوب و رفیق خالص جز خیر و صلاح چیزی برای دوست خود نمی‌خواهد «عقل» نیز صلاح انسان را تشخیص

می‌دهد و برای انسان چیزی جز خیر نمی‌خواهد. رسول خدا(ص) می‌فرماید خردمند، در تنهایی باعقل خویش راضی است و نادان از خویشتن وحشت دارد؛ چراکه دوست هر انسانی خرد اوست و دشمنش نادانی او (همو، ۱۷۸/۱). در کلام رضوی نیز دوست هر انسان خرد او و دشمنش نادانی او معرفی شده (همو، ۶۰/۱) که تجلی زبانی از استعاره‌ی مفهومی عقل به مثابه دوست است.

### ۳-۱۶. عقل به مثابه فرمانده و راهنما

در کلام امام سجاد(ع): «الْعَقْلُ قَائِدُ الْخَيْرِ» (همو، ۶۰/۱) حوزه عقل در قالب حوزه «فرمانده» مفهوم‌سازی شده است. نگاشت استعاری عقل فرمانده است، مجموعه‌ای از تاظرها را میان هستی‌ها حوزه‌ی مبداء (فرمانده) و حوزه مقصد (عقل) در بر دارد. قائد به معنای دماغه کوه (فراهیدی، ۵/۱۹۶) است و به فرمانده لشکر گفته می‌شود (طربی‌ی، ۳/۱۳۳). در روایت مزبور «عقل» به مثابه فرمانده خوبی‌ها مفهوم‌سازی شده که دارای سلطه، اقتدار، حاکمیت است. فرمانده دارای قدرتی است که مولد حرکت و نظم سربازان تحت امر خود است و حضور فرمانده در میدان جنگ مانع از هم گسیختگی نظامیان تحت امر شده و تضمین‌کننده پیروزی در نبرد است. فرمانده لشکر از قدرت مادی و معنوی برخوردار است و با آن می‌تواند افراد تحت امر خود را در مقابله با دشمن تشجیع کند. نگاشت میان دو حوزه، هدایت‌کننده و اقتدار است همانطور که فرمانده لشکر رهبر افراد تحت نظر خود است و با سلطه و اقتدار آن‌ها را تحت حاکمیت خود قرار می‌دهد «عقل» نیز با قدرت هدایت‌کننده و رهبری حاکم بر نفس، آدمی را از انجام پلیدی‌ها بازداشت و در مسیر هدایت قرار می‌دهد.

در کلام علوی برای القاء مفهوم انتزاعی «عقل» از استعاره مفهومی ملموس‌تر «فرمانده» کمک گرفته شده و عقل فرمانده لشکر الهی معرفی شده است: «الْعَقْلُ صَاحِبُ جَيْشِ الرَّحْمَنِ»<sup>۱</sup> (ری شهری، ۲۱۲/۱). در این استعاره نیز میان دو حوزه مبدأ (فرمانده) و حوزه

---

۱. العَقْلُ صَاحِبُ جَيْشِ الرَّحْمَنِ، وَالْهُوَيْ قَائِدُ جَيْشِ الشَّيْطَانِ، وَالنَّفْسُ مُتَجَاذِبَةٌ بَيْنَهُمَا، فَأَئُمُّهُمَا غَلَبَ كَاتَتْ فِي حَيْزِهِ.

مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. «صاحبُ الجيش» به معنای قائد و رهبر لشکر است (مدنی، ۱۹۵/۲) در روایت مزبور «عقل» به مثابه فرمانده لشکری مفهوم‌سازی شده که در جنگ با جنود ابليس است تا آدمی را اغوا کرده و به ضلالت بکشاند. نگاشت حاصل از این استعاره صلابت و قدرت فرماندهی و رهبری است.

در سخن امام علی (ع): «**حُسْنُ الْعَقْلِ أَفْضَلُ رَائِدٍ**<sup>۱</sup> (ری شهری، ۶۰/۱) حوزه انتزاعی «عقل» در قالب حوزه «جلودار» مفهوم‌سازی شده است. رائد کسی است که در جست وجودی مرغ زار است تا عده‌ای آنجا اطراف نمایند. عبارت «الرَّائِدُ لَا يَكُذِّبُ أَهْلَهُ» به این معناست که فرد جست‌وجو کننده آب و خوراک برای خانواده خود به آن‌ها دروغ نمی‌گوید (فراهیدی، ۶۳/۸). نگاشت استعاری «عقل» جلودار انسان خردمند است، مجموعه‌ای از تناظرها را میان حوزه مبداء (جلودار) و حوزه مقصد (عقل) در بر دارد. همان‌گونه که جلودار، مسیر را می‌شناسد و به درستی دیگران را راهنمایی می‌کند. «عقل» نیز پرچمداری است که راهنما در مسیر زندگی انسان است و سبب پیشروی انسان در مسیر صحیح زندگی می‌شود.

در سخن امام علی (ع) «**الْعَقْلُ خَيْرُ صَاحِبٍ**» (ری شهری، ۶۰/۱) از استعاره مفهومی عقل، بهترین همراه استفاده شده است. استعاره‌ی عقل به مثابه بهترین همراه، حوزه انتزاعی و پیچیده‌ی مقصد (عقل) را با حوزه عینی‌تر مبداء (همراه) مرتبط می‌کند که دارای ساختاری ساده‌تر و امکان درک حسی بیشتر است. از طریق نگاشت استعاری، این حوزه‌ها ای مبداء فراخوانده می‌شوند، تا برای درک حوزه انتزاعی عقل ساختار فراهم کند. ابن فارس در باره معنای «صاحب» می‌گوید: «الصاد و الحاء و الباء أصلٌ واحدٌ يدلُّ على مقارنة شيءٍ و مقاربته» (ابن‌فارس، ۳۳۵/۳). در این استعاره میان حوزه مبدأ (همراه) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. نگاشت بر جسته این حوزه، نزدیکی و همراهی است. همانطور که همراه به انسان نزدیک است و او را در مسیر زندگی یاری می‌کند، «عقل» نیز بهترین قرین

۱. نیک خردی، برترین راهبر است.

و همراه انسان است و با کمک آن می‌توان مسیر تعالی و رشد را با موفقیت پیمود.

نگاشت استعاری «عقل» راهنمای مؤمن است، نیز همچون سایر نگاشتهای مفهومی دارای مجموعه‌ای از تناظرهای میان هستی‌های دو حوزه است. در سخن امام صادق(ع) «العقل دلیل المؤمن» (ری شهری، ۶۰/۱) «عقل» به مشابه راهنمای مومن مفهومسازی شده است. «دلیل» به معنای راهنما و برهان بر چیزی است (طربی، ۳۷۲/۵) در این استعاره مجموعه‌ای از تناظرهای میان حوزه مبداء (راهنما) و حوزه مقصد (عقل) وجود دارد. طرح واره تصویری حاصل از این نگاشت، هدایت‌گری و بصیرت افزایی است. همان‌گونه که انسان راه بلد راه را به دیگران نشان می‌دهد و از پیچ و خم‌های راه آگاهی دارد، «عقل» نیز راهنمای انسان در مسیر پر نشیب و فراز زندگی است و با بصیرت افزایی راه درست را به انسان نشان می‌دهد.

«عقل» از دیدگاه امام کاظم(ع)، ناخدای کشتی تقوا است. وی به هشام بن حکم می‌فرماید: «يا هِشَامُ، إِنَّ لَقْمَانَ قَالَ لِابنِهِ: يَا بُنَيَّ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ، قَدْ غَرَقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ، فَلَتَكُنْ سَفِينَتُكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ، وَحَشُوُّهَا إِيمَانٌ، وَشَرَاعُهَا التَّوْكِلُ، وَقِيمُهَا الْعُقْلُ، وَدَلِيلُهَا الْعِلْمُ، وَسُكَّانُهَا الصَّبَرُ»<sup>۱</sup> (ری شهری، ۷۰/۱). در این روایت «عقل» ناخدای کشتی مفهومسازی شده که دارای نقش فرماندهی و هدایتگری است و در دریایی ژرف دنیا راهبری خلق را بر عهده دارد. «قام على الأمر» به معنای متولی و عهددار امری بودن است. ابن اثیر در بیان معنای قیم با تأکید بر معنای مستقیم و عدم اعواج و کجی از راه می‌گوید: «المستقيم الذي لا زيف فيه ولا ميل عن الحق» (ابن‌اثیر، ۱۳۵/۴) در این استعاره مجموعه‌ای از تناظرها میان حوزه مبدأ (ناخدا) و حوزه مقصد (عقل) وجود دارد. همان‌گونه که ناخدای کشتی در طول مسیر و در موقعیت‌های حساس سکان‌دار کشتی است و با تدبیر و مهارت خویش کشتی را از گرداب‌های مهلک می‌رهاند، «عقل» نیز در دوران زندگی و موقعیت‌های حساس و تنگناها فرماندهی و هدایت انسان را بر عهده دارد.

۱. ای هشام، لقمان به فرزندش فرمود: فرزندم دنیا دریایی ژرف است که خلقی بسیار در آن غرق شدند، پس تلاش‌کن در این دریا کشتی‌ات تقوای خداوند، ساحل آن ایمان، بادبانش توکل، ناخدایش خرد، راهنمایش دانش و سکانش شکیبایی باشد.

در سخن امام علی(ع) عقل، فرستاده حق معرفی شده است: «العقلُ رَسُولُ الْحَقِّ» (ری شهری، ۹۰/۱). در این روایت برای انتقال مفهوم «عقل» از استعاره مفهومی «عقل به مثابه رسول» کمک گرفته تا مفهوم انتزاعی و غیرمحسوس «عقل» به واسطه مفاهیم ملموس‌تر «رسول» قابل درک شود. در این استعاره مجموعه‌ای از تناظرها میان حوزه مبداء (رسول) و حوزه مقصد (عقل) وجود دارد. همان‌گونه که پیامبران هدایتگر امت و حجت خداوند بر روی زمین هستند و بشر را از لغش‌ها باز می‌دارند و به راه راست هدایت می‌کنند «عقل» نیز رسول باطنی و حجت درونی انسان است و آدمی را به سعادت دنیوی و اخروی هدایت کرده و از سقوط در وادی هلاکت رهایی می‌دهد.

#### ۴- نتایج مقاله

بررسی حوزه تعلیمی حاصل از تحلیل نگاشت استعاره «عقل» در روایات نشان داد که کاربست استعاره در گفتمان خردورزی کارکردی توضیحی و شناختی دارد و در تلاش است تا مفاهیم اساسی حوزه «عقل» را با حوزه‌های استعاره مبدأ توضیح دهد و درک این حوزه انتزاعی را ملموس‌تر کند. کاربرد استعاره مفهومی «عقل» در روایات این امکان را به وجود آورد که موضوع انتزاعی یا فاقد ساختار «عقل» به وسیله موضوعاتی سازمان یافته و عینی از جمله ابزار کاربردی زندگی، مظاهر طبیعت، تجارت، زینت، پوشاک و انگاره‌های ارزشمند درک شود و مخاطب از طریق دریافت فضای ملموس مادیات، از حقایق روایات و فضای معنوی آن‌ها درک عمیق‌تری داشته باشد. کلام معصوم(ع) براساس نگاشت‌های خاص فرهنگ دینی و گفتمان مذهبی میان دو حوزه مبدأ و مقصد، نگاشت‌هایی را به ذهن القا می‌کند که در حکم الگوهای استنتاجی بوده و از حوزه مبدأ بر الگوهای استنتاج حوزه مقصد فرافکنده می‌شود. استعاره مفهومی «عقل» در روایات فضایی را ایجاد کرده که مخاطب با کنکاش و بررسی قلمرو مبدأ و مقصد و شباهتی که میان این دو حاکم است، به هدف و غایب کاربرد این استعاره نزدیک می‌شود.

بررسی استعاره «عقل» در روایات نشان داد در بیشتر مواقع حوزه مبدأ حوزه کاملاً مادی یا با مبدأ انتزاعی ولی شناخته شده‌تر از حوزه مقصد بوده و در حوزه هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی کارکرد داشته است. استعاره مفهومی غالب در گفتمانِ معصوم (ع) راجع به «عقل»، نور و روشنایی و چراغ بود که به بازسازی یک مدل شناختی کامل می‌انجامد که از یک سو، ریشه در تجارب عینی بشر و وجوده کارکردی نور و روشنایی و گرما در ساحت هستی انسان دارد و از سویی دیگر با تعبیر معنوی و محتواهی این واژگان در اندیشه‌بشری در ارتباط است. این مدل‌های استعاری، در روایاتِ معصومان (ع)، ساختارهای مرتبط با مفاهیم قرآن و بافت فرهنگی آن را تشکیل می‌دهد که به سازمان‌دهی ذهن و دریافت عمیق‌تر معانی متعالی روایات منجر می‌شود.

## کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر جززی، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث والأثر، محقق و مصحح: محمود محمد طناحي و طاهر احمد زاوي، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۳. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بيروت، بي.تا.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، قم، بي.تا.
۵. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دارصادر، بي.تا.
۶. ازهري، محمد بن احمد، تهذيب اللغة، بيروت، بي.تا.
۷. جهان مبین، شکرالله، منزلت عقل در روایات، مجله عقل و دین، دوفصلنامه علمی پژوهشی، دوره ۲، شماره ۲، ۱۳۹۰ ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفرادات ألفاظ القرآن، بيروت، بي.تا.
۹. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة به تصحیح صحیح صالح، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. عبدی مکوندی، اسماعیل؛ زیارتی، اشرف، استعاره مفهومی «آتش» در خمسه نظامی گنجوی، مطالعات ادبیات عرفان و فلسفه، دوره دوم، ۱۳۹۵ ش.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم، بي.تا.
۱۳. فلسفی جو، جهانبخش، بررسی و تحلیل رابطه عقل و عاطفه در نهج البلاغه و استلزمات تربیتی آن، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بيروت، بي.تا.
۱۵. قاسمی حامد، مرتضی، عقل و هوی در قرآن کریم و نهج البلاغه (مفهوم‌شناسی، کارکرد و آثار)، پایان‌نامه رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۱۶. قائمی‌نیا، علیرضا، معناشناسی شناختی قرآن، چاپ دوم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۱۷. قربانی‌زرین، باقر، عنوان «اوکاوی معناشناسی عقل در زبان عربی و قرآن کریم با تکیه بر آراء شیخ طوسی در التبیان»، پژوهش دینی، شماره ۳۰، ۱۳۹۴ ش.
۱۸. لیکاف، جورج، نظریه معاصر استعاره، در استعاره مبنای تفکر و زیبایی آفرینی، ترجمه گروه مترجمان، به کوشش فرهاد سasanی، تهران، سوره‌ی مهر، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. مدنی، علی خان بن احمد، الطراز الأول، مشهد مقدس، ۱۳۸۴ ش.
۲۰. محمدی ری‌شهری، محمد، خردگرایی در قرآن و حدیث، چاپ پنجم، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۶ ش.

۲۱. مصباح، زهرا، مفهوم عقل در قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، رساله دکتری گروه معارف اسلامی، مدرسه

معارف اسلامی، ۱۳۹۴، ش.

۲۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، قاهره، لندن، دارالکتب العلمیة، مرکز نشر آثار علامه

مصطفوی، بی‌تا.

۲۳. مطرزی، ناصر بن عبدالسید، المغرب، حلب، بی‌تا.

۲۴. موسوی بفروینی، سیدمحمد؛ عموبی، مریم، محورهای همنشینی معنای «عقل» در نهج البلاغه، کتاب قیم، شماره

۱۳۹۷، ۱۸

۲۵. یاوریان، نرگس، بررسی حوزه معنایی عقل در نهج البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته نهج البلاغه دانشگاه

لرستان، ۱۳۹۳، ش.

۲۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، ۱۴۰۸، ق.

27. Lakoff, George & Johnson, Mark, Metaphors we live by. Chicago: the University of Chicago Press, 1980.